

بن بست مهریه



کامبیز نوروزی

حقوق دان

مسئله مهریه بر اثر افزایش مستمر نرخ تورم، به یک بحران در حقوق خانواده تبدیل شده و تاکنون راه‌هایی که قانون‌گذار برای حل آن رفته است، ناکارآمد و حتی بحران‌ساز بوده‌اند.

روند مستمر افزایش و گاه جهش هفگفت قیمت سکه، پرداخت مهریه شوهران را اگر ناممکن نکرده باشد، نزدیک به ناممکن کرده است. مهریه یک دین ممتاز است که بر چندان مرد بوده و باید بپردازد. در گذشته‌ای نه‌چندان دور وقتی شوهر برای پرداخت مهریه اعلام نداری و اعسار می‌کرد، دادگاه‌ها آن را به مایه یک یا دو سکه یا گاهی بیشتر تقسیط می‌کردند. هر چه قیمت سکه بالاتر می‌رود، تعداد اقساط بیشتر می‌شود. دو، سه سال است که قسط مهریه مثلا به هر دو یا سه ماه، نیم سکه رسیده که تقریبا برابر با هیچ است.

موضوع مهریه در واقعیت‌های امروز ایران دچار تناقضی عمیق شده است که بدون تغییر اساسی در مقررات حقوق خانواده حل‌شدنی نیست. از یک سو بحران اقتصادی موجب ناتوانی شوهر برای پرداخت مهریه شده است. از سوی دیگر زن نیز از نظر حقوقی، حق قطعی برای دریافت مهریه خود دارد و از نظر منطق زندگی نیز باید آن مقدار توان مالی داشته باشد که بعد از طلاق زندگی ساده‌ای را برای خود تدارک ببیند. قانون‌گذار ایرانی با نداشتن درک درست از وضعیت اجتماعی و اقتصادی و با ناتوانی در ابداع راه‌های مناسب، با محدودکردن حق زن می‌خواهد این تناقض را برطرف کند.

چند سال پیش مقرر شد بازداشت مرد تا ۱۱۴ سکه مهریه اجراءشدنی است. این تمهید قانونی راه به جایی نبرد و مشکلی را حل نکرد. اینک با طرحی که در مجلس مطرح است، قرار است این تعداد را به ۱۴ سکه کاهش دهند.

یادداشت

هوش مصنوعی و حکمرانی رسانه‌ای در ایران

فهم یا فیلتر؟



امیر نیک‌رویان

رسانه‌نگار

تمدن بشری همواره بر شالوده رسانه استوار بوده و هر تحول در سپهر ارتباطات، سرآغاز دوره‌ای تازه در تاریخ بوده است. کلام و ارتباط شفاهی، سنگ‌بنای نخستین جوامع بود؛ کتابت، شالوده شهرنشینی و قانون را بنا نهاد؛ صنعت چاپ، رنسانس و انقلاب صنعتی را ممکن کرد و رادیو و تلویزیون، ابزار قدرت و انسجام حکومت‌های مدرن شدند. عصر شبکه‌های اجتماعی این نظم را در هم شکست و جهان را با پدیده‌ای نوظهور مواجه کرد؛ افکار عمومی آتی، ملامتا و غیرقابل کنترل. اکنون در آستانه انقلابی دیگر ایستاده‌ایم؛ انقلابی که بازگیر اصلی آن، هوش مصنوعی است؛ نیرویی که نه‌تنها ابزارها، بلکه خود منطق شکل‌گیری افکار عمومی را بازتعریف می‌کند. این فناوری با رسوخ در تاروپود زیست اجتماعی، بی‌وقفه در حال بازطراحی چهره رسانه‌ها و افکار عمومی است. اما در کنار فرصت‌هایی همچون شخصی‌سازی پیام و تحلیل دقیق داده‌های اجتماعی، نگرانی‌های عمیقی نیز شکل گرفته است. طبق پژوهش‌های مرکز Pew در سال ۲۰۲۵، نیمی از شهروندان آمریکایی نسبت به پیامدهای اجتماعی هوش مصنوعی احساس نگرانی دارند. درحالی‌که این رقم چهار سال پیش فقط ۳۷ درصد بود. این افزایش اضطراب، نشانه‌ای از ورود بشر به دوره‌ای است که در آن، اعتماد به سرمایه‌ای کمیاب بدل شده است. این داستان جهانی، در ایران ابعادی پیچیده‌تر و خاص‌تر به خود می‌گیرد. تاریخ مواجهه دولت‌ها در ایران با پدیده‌های نوظهور رسانه‌ای، متأسفانه تاریخ سیاست‌گذاری‌های واکنشی و تاخیری بوده است؛ رویکردی که همواره یک گام از تحولات فناوریانه عقب‌تر بوده و به جای مدیریت فرصت‌ها، بر تقابل با پدیده‌ها تمرکز کرده است. زمانی که اینترنت در حال فراگیرشدن بود، تمرکز بر شکستن دیش‌های ماهواره قرار داشت و هنگامی که شبکه‌های اجتماعی عمومی به بستر اصلی گفت‌وگوی عمومی بدل می‌شدند، تمام توان صرف سامانه‌های فیلترینگ شد.

چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴
۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۱۵ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۲۲۹
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

سروش روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: شکست تلاش‌ها برای توقف اجرای CFT در مجلس • کدام طیف به دنبال حق استقلال است؟ • رئیس قوه قضائیه: فساد را از خطا تفکیک می‌کنیم

برگزیده‌ها

کرم‌لین تهدید ترامپ را بلوف می‌خواند، اما از اقدام واقعی رئیس‌جمهور آمریکا بیم دارد

چماق «تاماهوک»

کتابه‌های تلخ و گزنده عربستانی‌ها و روسی‌ها به فوتبال ایران

تحقیر خارجی با منشأ داخلی

ایران و نظم‌نوین منطقه‌ای بعد از نشست شرم‌الشیخ

دیپلماسی مبتنی بر قدرت و معامله

داده‌های آخرین پیمایش شیوع اختلالات روان‌پزشکی در ایران نشان داد:

افزایش اختلالات روان در مردان

مشکل اصلی سیاست‌مداران فرانسوی چیست؟

بیماری پاریسی

نگاه

شاید باید «فرهاد» شد

یادداشتی از حسین حقگو

یادداشت

یادداشت

ناکارآمدی و رؤیای ناممکن توسعه



محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

در تحلیل‌های متعارف دانش اقتصاد، با فرض ثابت‌بودن دیگر شرایط، هدف، دستیابی به تخصیص بهینه منابع و تحقق بهینه پارتویی است. ثبات دیگر شرایط و پیش‌فرض‌هایی مانند رفتار عقلایی و حداکثریابی فردی، به‌عنوان اصول آموزشی پذیرفته شده‌اند؛ همچنین جایگاه حاکمیتی دولت و عدم تصدی‌گری آن نیز مفروض گرفته می‌شود. اما واقعیت‌های جهان متفاوت‌اند. نهادهای سیاسی کیفیت تصمیمات اقتصادی را از آن‌خود تخصیص منابع تا مسیر توسعه تعیین می‌کند. مطالعات علمی نشان می‌دهند که تمرکز قدرت سیاسی، ضعف نهادهای نمایندگی، و فساد ساختاری می‌توانند مانع رشد پایدار اقتصادی شوند. عجم‌وغلو و رایینسون در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» تأکید دارند که نهادهای سیاسی فراگیر مانند انتخابات آزاد، تفکیک قوا، و پاسخ‌گویی، زمینه‌ساز اقتصاد رقابتی و حاکمیت اقتصاد بازار هستند. تضمین مالکیت خصوصی نیز به تقویت رقابت و نوآوری می‌انجامد. در مقابل، هرگاه نهادهای سیاسی در اختیار گروهی محدود باشند و ورود به عرصه سیاست از مجاری خاص ممکن باشد، تصمیمات اقتصادی، رانتی، انحصاری و ضد توسعه خواهند شد. مطالعات علمی متعدد بیان می‌کنند که کیفیت نهادهای سیاسی از میزان مردم‌سالاری تا استقلال نهادهای نظارتی، به‌ویژه در زمینه رانت‌زدایی، رشد پایدار و عدالت توزیعی، اثر مستقیم بر تصمیمات اقتصادی دارند. در یک مطالعه مبتنی بر داده‌های ۶۸ کشور در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰، نشان داده شده که در کشورهایی با نهادهای سیاسی ضعیف، وفور منابع نفتی باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود؛ اما در کشورهایی با نهادهای دموکراتیک، کیفیت نهادهای می‌تواند اثر منفی رانت را تعدیل کند. در مطالعه‌ای دیگر، رابطه قدرت سیاسی با آلودگی محیط زیست بررسی شده است.

این پرونده را در صفحه‌های ۱۱ و ۱۲ بخوانید. عکس: مهدی حسینی



ناصر تقوایی، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس یگانه سینمای

ایران در ۸۴سالگی درگذشت

دشواری زیست شریفانه

هنرمندی تمام‌عیار، مسئول، عمیق و معترض



کیوان کثیریان

نداشتن همبستگی را چنان جذاب و دیدنی اقتباس کند و با زندگی بومی جنوب ایران بیامیزد که بسیاری آن را از اقتباس جان هیوستن هم جلوتر بدانند؟ یا اقتباسش از باتلاق میکاواتاری و داستان آرامش در حضور دیگران ساعدی را. چه کسی می‌تواند با این دقت و ظرافت، زندگی شهری و آدم‌های طبقات مختلف را بازآفرینی کند که او در دایی جان ناپلئون کرد؟ آیا فیلم با سریالی سراغ داریم که از اصل اثر نیز پیشی گرفته باشد، آن‌گونه که تقوایی با اثر ایرج پزشک‌راد کرد؟

آیا جز در سایه شناخت عمیق از فرهنگ و جغرافیا و آیین‌ها و رفتار مردمان می‌توان آثاری این چنین آفرید؟
آیا فیلم‌سازی داریم که به اندازه تقوایی بر ادبیات و نثر فارسی و ادبیات آن در عین سادگی و روزمرگی تسلط داشته باشد؟ چند فیلم‌ساز داریم که به قدر تقوایی، دقت و وسواس و تسلط بر زیبایی‌شناسی و بیان سینمایی داشته باشد و به قدر او قاب و میزانشن و دوربین بشناسد؟
تقوایی فیلم‌نامه‌هایی نوشت که همگی صاحب جوهره و درون‌مایه اعتراضی‌اند و شخصیت‌هایی تنها و سرکش آفرید که هریک به نوعی با نظم حاکم سر جدال دارند، بدون آنکه شعار سیاسی بدهند. تقوایی همواره منتقد ساختارهای بسته قدرت، سانسور و زوال اخلاق اجتماعی بوده اما هرگز به دام لحن و زبان مستقیم در آتاراش درنگ‌نشد. به ظرافت و لحن کتابی فیلم کوتاه رهایی نگاه کنید، به نقد تند نظام پدرسالار در آرامش در حضور دیگران توجه کنید، کنایه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی دایی جان ناپلئون را ببینید. او در عین جدیت، تسلطی بدیع به فضای طنز داشت که نمونه‌های روشنش را در ای ایران و دایی جان ناپلئون و حتی ناخدا خورشید می‌توان ردیابی کرد. مستندهای درخشان او با فضایی شاعرانه و واقع‌گرایی رؤیاگون، همگی از

بهترین مستندهای تاریخ سینما هستند. مجموعه داستان تابستان همان سال نوشته تقوایی نیز مشخصاً نثر درخشان تقوایی و تسلط رشک‌برانگیز او بر ادبیات را به رخ می‌کشد. اما حضور و تأثیر تقوایی را نباید تنها محدود به داستان‌ها و فیلم‌هایش دانست. او بی‌شک با فیلم‌هایش جریان‌ساز بود ولی علاوه‌برآن در سال‌های گذشته به‌عنوان یک هنرمند تمام‌عیار و مسئول، به شکلی پیشروانه و شجاعانه بارها و بارها با سخنان صریح و حملات تند علیه سانسور، در هر فرصتی، روشی را که برای مبارزه انتخاب کرد، توضیح داد و تبیین کرد. سخنانی که مدت‌ها پیش گفته شده ولی همچنان به‌روز، کامل و کاربردی است و راه‌گشای مفیدی برای حرکات اعتراضی آن‌هم در عصری که برای فعالیت هنری، سردرگمی‌ها و اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. تعبیری که او از فعالیت‌نکردن خود ارائه کرده، یکی از پیشنهادهای مهم دراین‌باره است. صحبت‌های او را در ششمین جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران که ۲۴ دی‌ماه ۱۳۹۱ برگزار شد، بخوانید:

«هیچ‌کس مانع فیلم‌ساختن من نیست. اگر روزی بخواهم از کسی اجازه بگیرم، دیگر فیلم نمی‌سازم. از این عمری که برای فیلم‌سازی گذاشتم، متأسفم. در این سال‌ها وقتی فیلم‌هایم را می‌بینم، انکار فیلم‌های یک آدم دیگر را می‌بینم. این «دی‌وی‌دی»‌ها و نوارها که در بازار است، کار من نیست. هر بار که یکی از آنها را می‌بینم، بخشی از آن قیچی شده است. تلویزیون که مطابق سلیقه خود بدون هیچ قانونی قیچی به جان این فیلم‌ها می‌اندازد. جالب است صحنه‌هایی از فیلم‌هایم را دیدم که تروکاز شده است. این‌ها فیلم‌های من نیست. شاید سعی کنم کپی درستی از فیلم‌هایم را پیدا کرده و اعلام کنم هر شخصی دوست دارد در این «دی‌وی‌دی»‌ها را تهیه کند، چون نسخه‌های دیگر مورد تأیید من نیست.

البته سر خیلی از آدم‌های دیگر هم که فیلم خوب ساختند، همین بلا را آوردند.

این پرونده را در صفحه‌های ۱۱ و ۱۲ بخوانید. عکس: مهدی حسینی